

## بررسی موقوفات زنان شیعی شهرستان بیجار در دوره قاجاریه

جمشید منتشلو / دانشجوی دکتری تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد مشهد / jamshid.mantashloo@gmail.com  
شهربانو دلبری / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی مشهد / tarikh\_2003@yahoo.com  
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۴/۳۱ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۱۱/۰۵

### چکیده

مسأله وقف، یکی از عرصه‌های تاریخ کردستان است که نقش زنان شیعی در آن بسیار پررنگ بوده و کم‌تر به آن توجه شده است. در این خصوص، جایگاه تاریخی زنان واقف بیجار از دوره صفویه به بعد، بالاتر از دیگر مناطق استان یادشده است. این مقاله، ضمن بررسی این موضوع، به چگونگی رقبات وقفی و مشارکت زنان شیعی این منطقه می‌پردازد. روش پژوهش، ترکیبی از مطالعه میدانی، اسنادی و کتابخانه‌ای است که تأکید عمده بر روش اسنادی بوده و نگارندگان به صورت تحقیق گروهی به این مسأله پرداخته‌اند. سؤال این است که در تنوع مذهبی کردستان، زنان واقف شهر بیجار چه کسانی بودند و موقوفات آنها دارای چه ویژگی‌ها و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی است؟ هدف اصلی، کاوش در اسناد وقفی و مشخص کردن سهم زنان شیعی و کاربرد رقبات وقفی آنها در شهرستان بیجار به عنوان یکی از مناطق تاریخی استان کردستان است.

کلیدواژه: وقف، گروس، زنان شیعه، بیجار، قاجاریه.

## طرح مسأله

پهنه جغرافیایی شهرستان بیجار، یکی از مناطق خاص مذهب تشیع در استان کردستان به شمار می‌آید که در فرایند تاریخ منطقه، بارقه‌های شیعی در آن به طور گسترده در زوایای مختلف مذهبی، اجتماعی و اقتصادی نمود پیدا کرده است. در این حوزه، مسأله وقف و به تبع آن حضور زنان این منطقه در امر وقف همپای مردان قابل تأمل و توجه است و این نکته کم‌تر در مناطق دیگر استان کردستان مشاهده می‌شود. اسناد موقوفه این شهرستان نسبت به سایر شهرستان‌های استان متعدد است و این مسأله، از غنای فرهنگ شیعی در جریان تاریخی این منطقه ناشی می‌شود. بخشی از موقوفات تاریخی این شهرستان، به بانوان نیکوکاری تعلق دارد که در دوره‌های مختلف تاریخی، با انگیزه تقرب به درگاه احدیت، بخشی از اموال خود را در امور خیر وقف نموده‌اند. ماهیت و بازنمایی نقش زنان این منطقه در موقوفات، بسیار کم‌تر بررسی و شناسایی علمی شده است و از این رو نگارندگان، با تأکید بر اهمیت و نقش زنان در ایجاد موقوفات در این خطه، به بررسی و بازخوانی اسناد وقفی مربوطه می‌پردازند. این واقعیت ساده و عادی که زنان این منطقه در دوره قاجاریه همانند مردان حق تصمیم‌گیری داشتند و شخصاً دارای املاکی بودند که می‌توانستند وقف کنند، اهمیت دارد. موقوفات زنان در محدوده مورد مطالعه متنوع هستند. واقفان برخی از اسناد مورد بررسی، یک مرد و همسرش است. اسنادی هم هستند که زنان، ملکی را با شخص مورد وثوقشان مصالحه کرده و سپس آن شخص ملک را بر مبنای نیت شخص مصالح وقف نموده است. اسنادی هم وجود دارند که مردان، ملکی را با زنان مصالحه کرده و سپس آن ملک توسط زن وقف گردیده است. محتوای بعضی از اسناد را هم جمعی از ورثه تشکیل می‌دهد که بیشتر آنها زنان واقف هستند. به هر حال، تعداد وقف‌نامه‌های زنان شیعی در این شهر پنج سند از میان ۲۱ سند مورد بررسی است. اصل و رونوشت این اسناد در آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه کشور و اداره مربوطه استان کردستان است. از آن‌جا که از نقش و جایگاه زنان اهل تسنن در امور وقفی این منطقه در دوره قاجاریه

اطلاعاتی در دسترس نیست و یا وجود ندارد، به لحاظ نوع ترکیب اسنادی یعنی اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و مذهبی، این اسناد اهمیت دارد.

مصارف موقوفات زنان نیز همانند سایر موقوفات، متعدد و متنوع است. مسجد، مکتب‌خانه، تکایا و مجالس روضه‌خوانی، سادات، زوار و فقرا، مصادیق بارز وقف زنان هستند. این مصارف، با بینش و فرهنگ اسلامی شیعی محلی این منطقه ارتباط داشته که دارای کارکردهای مثبت در جامعه بوده است. البته بخش مهم و اصلی از موقوفات زنان از مجموع اسناد مورد بررسی، خاص عزاداری ائمه اطهار و به‌خصوص سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است. این نکته بی‌گمان محبت و ارادت جامعه این دوره را به اهل‌بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و عتبات عالیات و به ویژه امام حسین (علیه السلام) نشان می‌دهد.

شیوه انشای هر وقف‌نامه و اصطلاحات و تعبیر مختلف به‌کاررفته در آن، از نوع تفکر و اندیشه‌های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان این منطقه حکایت دارد. این مسأله در حوزه سندشناسی نیز درخور توجه بوده و می‌تواند مورد استفاده پژوهش‌گران حوزه تاریخ اجتماعی و زبان‌شناسی قرار گیرد. در این پژوهش، مهم‌ترین مسائلی که به آن توجه می‌گردد، عبارتند از: جایگاه حضور و مشارکت زنان در عرصه اجتماعی، اقتصادی و مذهبی، میزان غنای فرهنگی مذهب تشیع با توجه به تنوع مذهبی تسنن و تشیع در منطقه، اشکال صوری و ظاهری اسناد، ویژگی‌های نوشتاری و ویژگی‌های نثر وقف‌نامه، شناخت اجزا و عناصر به‌کاررفته در سند، آرایه‌ها و نکات دستوری مهم متن وقف‌نامه، شناخت روابط معنایی میان واژگان به‌کاررفته در وقف‌نامه و عواملی که موجب برجستگی ادبی کلام شده است.

### پیشینه تحقیق

به طور کلی در مورد موقوفات زنان در استان کردستان تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند، هیچ‌گونه پژوهش جامع و مستقلی صورت نگرفته و بالتبع در مورد موضوع مقاله حاضر نیز تحقیقی انجام نشده است. همین امر، ضرورت پژوهش در این زمینه را بیش‌تر می‌نماید.

تنها از آمار و ارقام اداره اوقاف استان و شهرستان مربوطه است که به لحاظ کمی، اطلاعاتی به دست می‌آید و در برخی موارد نیز این اطلاعات دارای اشتباهات فاحش است. با وجودی که وقف‌نامه‌های زنان از جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و زبانی اهمیت دارند، در سطح ملی نیز کارهای پژوهشی اندکی در این باره انجام شده است. مقالات «وقف‌نامه‌های بانوان در دوره صفوی» نوشته خانم زهت احمدی، (احمدی، ۱۳۷۶، ش ۳ و ۴، ص ۹۸-۱۰۶) «موقوفات زنان در ایران»، نوشته محمدعلی خسروی (خسروی، ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۴-۶) و مقاله «زنان واقف تهران در دوره قاجاریه» به قلم کریستوف ورنر ترجمه نسیم قهرودی، (کریستوف، ۱۳۷۸، ش ۲۸، ص ۱۱۵-۱۲۲) از مهم‌ترین پژوهش‌ها در این باره است که در فصلنامه وقف میراث جاویدان به چاپ رسیده‌اند. مقاله حاضر نیز در این جهت، می‌کوشد به تبیین موقوفات زنان شیعی کردستان در منطقه بیجار بپردازد.

### جغرافیای تاریخی بیجار

شهرستان بیجار در جهت شرق و شمال شرقی استان کردستان قرار دارد. این منطقه در گذشته با نام «گروس» خوانده می‌شد. (میرزا سمیع، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴) در واقع شهرستان کنونی بیجار، بخش عمده ولایت گروس دوران قاجار و قبل از آن را شامل می‌شود. در تقسیمات کشوری تا سال ۱۳۱۶ شمسی، بیجار مرکز گروس به شمار می‌رفت. (مریوانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳) پس از آن منطقه گروس با نام بیجار به کار رفت و به تدریج بیجار پیشوند و نام گروس پسوند منطقه قرار گرفت و لذا به بیجار گروس مشهور گردید. این روند ادامه داشت تا این‌که در اوایل انقلاب اسلامی، نام گروس از پسوند این شهرستان حذف شد و از آن پس محدوده سابق ولایت گروس با نام شهرستان بیجار معرفی و مشهور گردید. این وجه تسمیه بیش‌تر به دلیل وجود درختان بید در این منطقه بوده است.

به هر حال این شهرستان، با مساحت ۷۷۳۰ کیلومتر مربع که وسعتی در حدود ۷۰٪ گروس سابق را شامل می‌شد، از جهات شرق و شمال به استان زنجان، از شمال غربی به استان آذربایجان غربی و از قسمت جنوب شرقی با استان همدان و از طرف جنوب و غرب

با شهرستان‌های قروه و دیواندره از استان کردستان هم‌مرز است. (سنندجی، ۱۳۷۵، ص ۱۴) مذهب مردم این شهرستان تسنن و تشیع می‌باشد و به سه زبان کردی، فارسی و ترکی صحبت می‌کنند.

### پیش‌زمینه‌های وقف در کردستان و بیجار

ریشه‌های وقف در استان کردستان به صورت غیررسمی از قرن پنجم هجری قمری به بعد است. (کردستانی، نشریه همشهری، ص ۱۱، ۱۹، و ۷۹) منابع محلی به رقبات وقفی اشاره کرده‌اند که از طرف صوفیان و عرفای محلی در اویش مانند نقشبندیه و قادریه وقف امور خیریه مانند کمک به فقرا و ضعفا شده است. (بدلیسی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۵۹) اما به صورت رسمی و مکتوب، امور وقف در این استان از قرن هفتم و هشتم به بعد دیده می‌شود. (مستوفی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۲-۱۶۴) از موقوفات زنان که اسناد آن‌ها رسمی و در دسترس است، به وقف‌نامه حسنی جهان‌خانم همسر خسروخان اردلان<sup>۱</sup> در سال ۱۲۵۳ قمری، وقف‌نامه و مصالحه فاطمه نورالینسا در ۱۲۶۸ قمری و وقف‌نامه غنچه‌خانم به سال ۱۳۰۰ قمری می‌توان اشاره کرد. دو بانوی اخیر اهل تسنن و مصارف وقفی آن‌ها مسجد و مکتب‌خانه بود. (سنندجی، ۱۳۷۵، ص ۱۶) اما مصارف وقف‌نامه حسنی جهان‌خانم به دلیل شیعه بودن او به عتبات عالیات و تعزیه‌داری هم اختصاص دارد.

در موضوع مورد بحث مقاله، قدیم‌ترین اطلاعات مستند وقف از بیجار، به اوایل قرن نهم هجری مربوط است. بر اساس کتب سلسله‌النسب صفویه، صریح‌الملک<sup>۲</sup> و زبدة‌التواریخ،

۱. سواد وقف‌نامه والیه خانم و امان‌الله‌خان ثانی، سند، سال ۱۲۶۸، شماره سند ۹۹۷/۴۱۲، مرکز اسناد ملی ایران.

۲. صریح‌الملک، مجموعه‌ای است از اسناد قبایله‌های مزارها، آستانه‌ها و موقوفات که نمونه‌هایی از آن مربوط به آستانه شیخ‌صفی اردبیلی در دست است و زین‌العابدین عبدی قوامی شیرازی در زمان شاه‌طهماسب و محمدطاهر اصفهانی در دوره شاه‌عباس اول آن‌ها را گرد آورده‌اند. قسمت موقوفات بقعه شیخ‌صفی‌الدین در این کتاب را انتشارات معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه با تصحیح محمود محمد هدایتی در ۴۰۴ صفحه انتشار داده است.

تیمور گورکانی در جریان لشکرکشی به کردستان به سال ۸۰۴ قمری، ناحیه بیجار را با برخی مناطق آن به همراه متعلقات، از مالکان منطقه خریداری کرد و وقف خواجه‌علی نوه شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی نمود. (حافظ ابرو، بی‌تا، ص ۷۵۳ / عمادالدین شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۷، ۳۱۰ صفحه) به همین طریق شهر بیجار تا سال ۱۳۱۵ شمسی، به عنوان املاک وقفیه به حساب آمده است. ولی با عدم مراجعه وراثت شیخ‌صفی‌الدین برای تعیین وضعیت وقف این منطقه، مردم در سال ۱۳۱۳ شمسی پس از تشکیل اداره ثبت اسناد و املاک، خواهان ثبت املاک خود گردیدند. دو سال بعد، بر اساس کمیسیونی متشکل از رؤسای ادارات بیجار و تعدادی از بزرگان شهر، اداره اوقاف از کلیه دعاوی خود نسبت به موقوفات شیخ‌صفی‌الدین در بیجار صرف‌نظر کرد. منابع محلی از رقبات وقفی بیش‌تری مانند آسیاب، آب و زراعت، ملک موروثی و کاروان‌سرا از دوره صفویه به بعد سخن گفته‌اند که امرا و خوانین منطقه وقف کرده‌اند. اما اسناد آن‌ها در دست‌رس نیست و یا از بین رفته است. لذا مطابق بررسی نگارندگان، ۲۱ وقف‌نامه رسمی از دوره قاجاریه در شهرستان بیجار وجود دارد. از این میان، قدیم‌ترین سند رسمی، به وقف یک روستا در اوایل دوره قاجاریه مربوط می‌شود. اسناد موضوع مقاله که پنج سند را دربرمی‌گیرد، به همین دوره مربوط است. این اسناد با توجه به زمانه خود اهمیت زیادی دارند.

### اسناد وقفی زنان

در کل استان کردستان طبق بررسی صورت‌گرفته، حدود ۴۵۰ فقره اسناد شرعی، حقوقی و قبالات از دوره قاجاریه وجود دارد که به اصناف عوام و خواص متعلق است. از میان تعداد اسناد یادشده مطابق آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، حدود ۲۳۰ فقره آن سند وقفی است. از این تعداد سند نیز ۲۱ فقره به شهرستان بیجار تعلق دارد که پنج فقره از آن به زنان شیعی مربوط است. آن‌طور که از قراین و شواهد این اسناد برمی‌آید، محتوای اسناد در کتابچه دیوانی منطقه ثبت شده است. با این‌که در تاریخ دوره قاجاریه، از

فعالیت‌های اقتصادی زنان اطلاعات ناچیزی در دسترس است و یا بعضاً هیچ اطلاعی وجود ندارد، اسناد مورد پژوهش، بسیاری از نادانسته‌های تاریخی و فرهنگی زنان این منطقه اعم از کرد و ترک و فارس را روشن می‌سازد. هم‌چنین این اسناد، انعکاس آثار و مضامین مذهب تشیع هستند که چگونه در عرصه اجتماعی، باعث حضور و مشارکت زنان در زندگی می‌شده است؛ بنابراین در ذیل به شرح و تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

### سند وقف‌نامه شماره ۱

نوع سند: حبس‌نامه عادی      زبان وقف‌نامه: فارسی با کاربرد زبان عربی  
نام واقف: ساره خاتون      نوع حبس: یک‌صد ساله  
گواهان و شاهدین سند: جمعی از کدخدایان، تجار، خوانین و بزرگان منطقه  
رقبات موقوفه: چهار دانگ روستای ینگه ارخ (که در سند نیکی ارخ است) و نصف سهم‌الحق حمام بیجار  
محل وقوع سند: بیجار      محل نگه‌داری سند: اداره اوقاف و امور خیریه کردستان  
مصارف: تعزیه‌داری، روضه‌خوانی، خرید شمع جهت حرمین نجف اشرف و کربلا، بقیه عواید به مصرف خیرات و مبرات و ارباب استحقاق و فقرای فامیل، ادای صوم و صلوات.  
شرایط تولیت: مادام‌العمر با خواهر واقف یعنی خانقزی است و بعد از وفات او، بزرگ‌خانم خواهر خانقزی و پس از او به ارشد اولاد ذکور یا اناث بطناً بعد بطن و نسلماً بعد نسل خواهد بود.  
تاریخ تنظیم: ربیع‌الثانی ۱۲۲۹      محل نگه‌داری سند: بیجار- مجموعه شخصی آقای گروسی  
● به دلیل عدم توافق و اجازه صاحب سند، امکان تصویربرداری از این سند میسر نگردید و لذا به بازخوانی آن اکتفا شد.

قسمتی از بازخوانی محتوای سند: وقع الوصیت و الوصایته و المصلح محابباتا و الحبس حسبما .... هوالحی الذی لایموت چون به مفاد آیه وافی هدایه «کل نفس ذائقه الموت» ...

لهذا شمه‌ای از الطاف ربانی و توفیقات حضرت سبحانی شامل حال نیکومآل، علیاجاه خدارت الثناء، عمدة العفافین و المخدرات نتیجه الخوانین العظام، ساره خاتون صبیہ جنت و رضوان آرامگاه زین‌العابدین خان - طاب ثراه - گردید. مراتب مزبور متن را در حالت صحت بدن و کمال عقل ..... و چهار دانگ حقی را که در قریه نیکی ارج دارد، قرار داد که از بابت ثلث او تا یکصد سال به طریق حبس بماند که هر ساله وصی ایشان منافع مداخل تمام چهار دانگ را اخذ و استیفا نموده، اولاً کلیه مالیات و رودات دیوانی را از آن وضع نموده و از بقیه آن هر ساله مبلغ بیست تومان به مخارج و مصارف تعزیه‌داری خامس آل‌عبا و گلگون قباى صحراى کربلا، اعنى حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - برسانند و روضه‌خوانی ذکر مصیبت آن جناب و اصحاب و اولادش را در ایام عاشورا برپا دارند و هر ساله هم مبلغ ده تومان نقد، روانه عتبات عالیات نماید که قیمت آن را شمع گرفته، در حرمین نجف اشرف و کربلای معلی و بالسویه بسوزانند. پس از وضع این سی تومان آنچه بقیه منافع و مداخل است، دو سهم قرار دهند: یکی سهم از آن را عوض رد مظالم به ارباب استحقاق و فقرا فامیل برسانند و یک سهم دیگر آن را از یوم تکلیف الی زمان وفات از اشخاص متدین موثق که صحیح‌التقلید باشد، صوم و صلوات بگیرند و بعد از ادای صوم و صلوات و برات ذمه او از آن تا آخر مدت که یکصد ساله است، آنچه از این سهم باقی بماند، به مصارف خیرات و مبرات آنچه وصی صلاح بداند برسانند و تمام مستقلات حق خود را که در بیجار دارند، وقف بر اولاد نمودند و به موجب وقف‌نامه علی‌حده و نصف حقی را که از حمام قصبه بیجار دارند، به طریق حبس تا یکصد سال بماند و از منافع و مداخل آن، هر ساله ده تومان بر روضه‌خوانی بدهند و او را اجیر نمایند که در شب‌های جمعه ایام سال، روضه‌خوانی در مساجد، ذکر مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام بنمایند. و ثواب آن را به قصد قربت به روح پرفتوح مرحوم مغفور علی‌اکبر خان و موصیه مزبوره بذل و هبه نماید و مبلغ ده تومان دیگر هم صرف حلوا خرما نموده، در شب‌های جمعه ایام

سال در مساجد به مصرف برسانند ... و در تمام مراتب مزبوره علیاه جاه خانقزی وصی است که به مقتضای تکلیف خود در جمیع موارد به وصایا رفتار نماید و صیغه مصالحه عملی حقوق مهریه و غیره جاری گردید و علیاه جاه خانقزی قبول مصالحه و وصایت نمودند. مادام‌الهیوه عمل وصایت با خود علیاه جاه خانقزی است و چنانچه خدای نخواسته او را سانحه وفات دررسد، عمل وصایت با خانم بزرگ‌خانم صبییه علیاه جاه خانقزی است و چنانچه خدای نخواسته سانحه وفات ایشان دررسید، وصایت به ارشد اولاد ذکور یا اناث بطناً الی بطن و نسلاً الی نسل خواهد بود و تمام املاک خود را اعم از مورثی و ابتیاعی و حق‌الصداق بعد از وضع چهار دانگ ینگگی ارخ، به موجب وقف‌نامه علی‌حده بر خانقزی و اولادش وقف نموده و دستورالعمل آن در وقف‌نامه معین است .... و کان وقوع ذلک فی غره ربیع‌الثانی ۱۲۲۹ محل مهر مرحومه ناظرین رونوشت مانند رونوشت مصدق‌شده نزد این جانب ابوالقاسم اردلان است. رونوشت برابر اصل است.

### روستای ینگگی ارخ

این روستا از توابع دهستان گرگین و بخش کرانی شهر حسن‌آباد بیجار محسوب می‌شود. موقعیت آن کوهستانی است و در ۲۴ کیلومتری حسن‌آباد و ۵۶ کیلومتری شهر بیجار قرار دارد. جمعیت آن در سال ۱۳۹۰ حدود ۴۱ خانوار و ۱۶۷ نفر است. زبان مردم آن ترکی و دین آنان اسلام با مذهب تشیع است و کشاورزی و دام‌داری، بیش‌ترین مشاغل مردمان را شامل می‌شود و کشت محصولات به صورت دیمی و آبی است. (استاندارد کردستان، ۱۳۹۰، ص ۹۷) این روستا از امکانه تاریخی شهرستان بیجار محسوب می‌شود که به دوره سلجوقیان برمی‌گردد. (کوشا، ۱۳۸۷، ص ۶۳۶) متأسفانه به دلایل اقتصادی به مرور زمان جمعیت آن کاهش یافته است.

## سند وقف‌نامه شماره ۲

نام واقف: صاحب سلطان      نوع وقف: عام

نوع سند: وقف‌نامه و وصیت‌نامه عادی

رقبات موقوفه: سه دانگ قریه چشمه‌قلی و یک دانگ و نیم از قریه زرین‌جوب، یک باب

حمام و یک باب عمارت (ساختمان)

گواهان و شاهدین سند: جمعی از کدخدایان، تجار، خوانین و بزرگان منطقه.

محل وقوع: بیجار

مصارف: خدام و طلاب نجف اشرف نصف درآمد برای سادات خدام حضرت و نصف

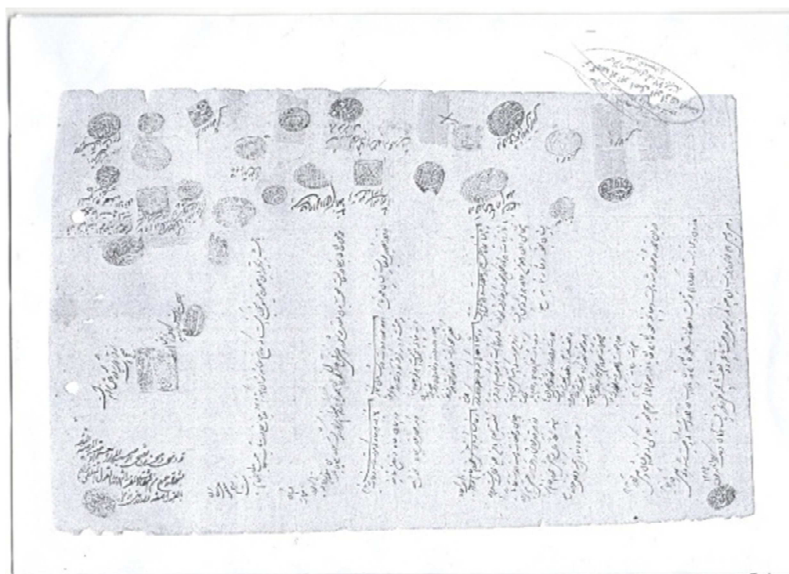
دیگر متعلق به طلاب طالب علم است.

شرایط تولیت: تولیت با علی‌خان یاور است و پس از فوت او، وصی کسی است که علی‌خان

یاور قرار دهد.

تاریخ تنظیم: شوال‌المکرم ۱۲۸۷

محل نگه‌داری سند: بایگانی اداره کل اوقاف و امور خیریه



بخشی از بازخوانی محتوای سند: باعث تحریر این مضمون حقیقت مشحون آن است که به تاریخ حرره شوال الاکرام ۱۲۸۷ علیا جناب، خدارت مآب، صاحب سلطان خانم بنت مرحوم و مغفور جنت مکان حسین خان - طاب ثراه - در حالت صحت بدن عقل و شعور وصی مطلق بلاعزل نمود، عالیجاه عمده الخوانین العظام، سرکار شوکت مدار علی خان یاور - سلمه الله تعالی - که بعد از ممات ایشان از قرار تفصیل به وصیات ایشان عمل نماید و ... رابعاً املاکی که دارم، سه دانگ قریه چشمه قلی که مورثی است و یک دانگ و نیم از قریه زرین جوب که ابتیاعی خودم است و یک باب حمام که در بیجار دارم، با یک دست عمارت در قصبه مزبور کلاً اینها وقف خدام و طلاب نجف اشرف است؛ هر چه می شود نقد کرده به نجف اشرف ارسال دارند، به استصواب علما علم برسد که نصف آن به سادات خدام حضرت نصف دیگر به طلاب که طالب علم است برسانند ... الان هم تولیت املاک با خود عالیجاه علی خان یاور است، از قرار نوشته که وصیت شده وصی رفتار نماید وصی هم از این قرار است این چند کلمه بر سبیل وصیت نامچه و وقف نامچه قلمی و تحریر یافت و کان ذلک فی شهر فوق ۱۲۸۷ ...

#### روستای چشمه قلی

از دهستان خسروآباد بخش چنگ الماس شهرستان بیجار است که در سی کیلومتری بیجار قرار دارد. رودخانه چم بزرگ از شمال آن می گذرد و تپه قراول خانه در یک کیلومتری شمال آبادی است. جمعیت آن در سال ۱۳۹۰ شمسی، ۱۳۱ نفر در قالب ۳۵ خانوار بوده است. (استاندارد کردستان، ۱۳۹۰، ص ۸۳) زبان مردم کردی است و دین اسلام و مذهب شیعه دارند. محصولات کشاورزی این روستا گندم و انگور است.

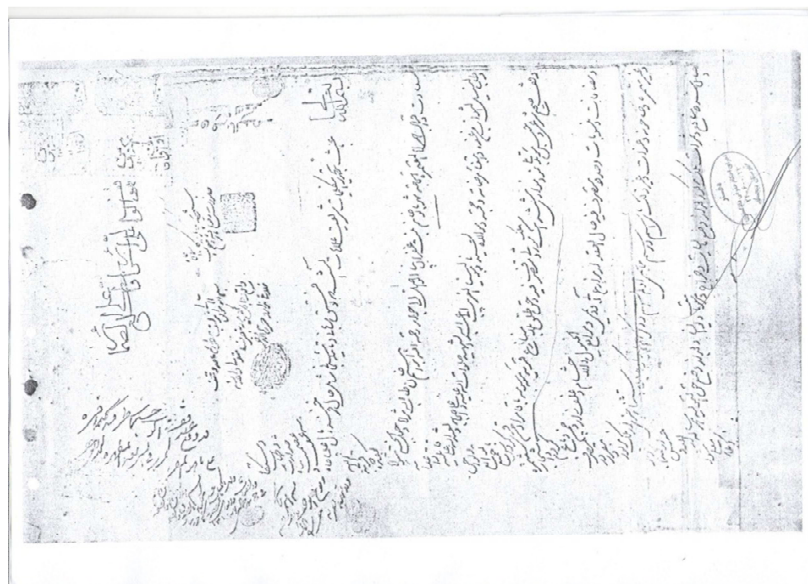
#### روستای زرین جوب

زرین جوب از روستاهای دهستان خسروآباد بخش چنگ الماس شهرستان بیجار است و در ۳۷ کیلومتری آن قرار دارد. جمعیت آن در سال ۱۳۹۰، سی نفر بوده است. (همان، ص ۸۴) آنان زبان کردی و مذهب سنی دارند.

### سند وقف‌نامه شماره ۳

نام واقف: حاجیه شهربانو      نوع وقف: عام  
نوع سند: وقف‌نامه      رقبات: شش دانگ قریه باقرآباد  
گواهان و شاهدین سند: جمعی از کدخدایان، تجار، خوانین و بزرگان منطقه  
محل وقوع: بیجار  
مصارف: خرج فقرای زوار کربلا چه زواری که از قریه خسروآباد به کربلا می‌روند و چه از راه‌های دیگری عبور کنند.  
شرایط تولیت: تولیت موقوفه به حاج‌الله یارخان برادرزاده خود (واقف) تفویض شده که مادام‌الحیوه جمیع تصرفات به ایشان مفوض است و بعد از ایشان، با اولاد مؤمن متدین ایشان به شرط رشد و صلاح بر فرض - انقراض با جماعت اهل ایمان و دیانت و صلاح می‌باشد.

تاریخ سند: چهاردهم شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۸  
محل نگهداری سند: بایگانی اداره کل اوقاف و امور خیریه کشور



بخشی از بازخوانی محتوای سند: هو الواقف علی السرائر و مطلع علی الضمائر باعث بر تحریر این شریعت علامات آن است که توفیق ربانی و تأییدات سبجانی، شامل حال فرخنده مال، علیاه جاه، عفت و عصمت پناه، خدارت و طهارت دستگاه، سعادت و اقبال همراه، المعتمر الحاجیه شهربانو خانم، بنت غفران پناه الواصل الی جوار رحمہ اللہ ابراهیم خان - طاب اللہ ثراه - و جعل الجنه گردیده که .... وقف صحیح شرعی و حبس موبد نمود موازی شش دانگ ملک موروثی متصرف فیه و حق طلق بلامنازع قریه موسومه باقرآباد من قراگروس با جمیع توابع و لواحق و مضافات و منسوبات و حدود متصرف فیه حال العقد از مزارع آبی و دیمی و مراتع الخیول و الاحشام و علفزار و چمن و باغ کرم و اشجار مثمره و غیر مثمره و طاحونه و قنوات و غیر ذلک بدون استثنا، چیزی از ملک مزبور و مقرر در مصرف چنان شده و منافع و ثمرات ملک مذکور بعد از وضع مالیات و خراج و موسومات دیوان و بعد از وضع حق التولیه هر ساله از نقد و جنس از گندم و جو و حبوبات و سایر رسومات که به طور مقاطعه از رعیت و ساکنین آنجا اخذ و استرداد می نمایند، تمام و کمال خرج فقرای زوار کربلای معلی شود... و اگر بعد از صرف زوار غابریں خسروآباد و غیره چیزی باقی بماند و معلوم شود که دیگر زوار در خسروآباد عبور نمی کند و فقیر زوار پیدا نمی شود یا این که راه زیارت به واسطه موانع حبس شد، همان باقی را به کربلای معلی حمل نماید و به دست یک نفر مؤمن متدین امین بسپارد که به فقرای زوار برساند و تولیت این ملک موقوفه را به سرکار عظمت مدار مقربی الخاقان و معتمد السلطان الحاج الله یارخان برادرزاده خود تفویض نمود ... و ربع مداخل و منافع هر ساله در عوض زحمت حق التولیه به جهت سرکار الحاج الله یارخان معظم الیه و .... جری ذلک به تاریخ چهاردهم ذی حجه الحرام ۱۲۹۸ محل مهر کنیزه فاطمه شهربانو - بسم الله تعالی - موافق مراتب مسطوره عقد واقع و جاری گردید و به تصرف متولی داده شد. رونوشت و بازخوانی این سند در اداره اوقاف تهیه شد.

روستای باقرآباد از توابع دهستان بابارشانی و بخش چنگ الماس بیجار محسوب می شود و امروزه دارای سی نفر جمعیت است. (استانداری کردستان، ۱۳۹۰، ص ۷۶) زبان مردم کردی است و مذهب شیعه دارند.

#### سند وقفی شماره ۴

واقف: زبیده خاتون      نوع وقف: عام

نوع سند: وقف نامه عادی

رقبات موقوفه: چهار دانگ قریه میرمحمد کندی با مزارع و منضمات آن در مزرعه یعقوب و قرت دره

گواهان و شاهدین سند: جمعی از کدخدایان، تجار، خوانین و بزرگان منطقه محل وقوع: بیجار

مصارف: مصارف موقوفه بعد از اداء مالیات و عوارض دیوانی و مخارج تعمیرات و عشر حق التولیه ۱/۳ شب‌های جمعه در مسجد جامع بیجار خرما به فقرا و مستحقین داده شود و در ماه محرم و صفر عزاداری حضرت ابی‌عبدالله الحسین (علیه السلام) نمایند و ۲/۳ به سادات و فقرا و زوار قبور ائمه که محتاج و مستحق باشند و صدقات جاریه از حمام و مسجد و پل مصرف نمایند.

شرایط تولیت: تولیت موقوفه با جناب امیرالامرا غلامحسین افتخار نظام است نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و در صورت انقراض نسل از موصی الیه تثلیث [تولیت] موقوفه به اعلم علماء گروس مفوض است.

تاریخ تنظیم: رجب المرجب ۱۳۱۷

محل نگه‌داری و بازخوانی سند: بیجار - مجموعه شخصی آقای گروسی

- به دلیل عدم توافق و اجازه صاحب سند، امکان تصویربرداری از این سند میسر نگردید و لذا به بازخوانی آن اکتفا شد.

بخشی از بازخوانی محتوای سند: غرض از تحریر این کلمات آن‌که چون ... عالیجاه خدارت دستگاه، سرکار علیه عالیہ متعالیه زبیده خاتون خانم - دامت شوکتها - صبیہ مرضیه مرحمت و غفران و رضوان آرامگاه زین‌العابدین خان گردید. در حالت صحت بدن و اجتماع حواس ... حبس موبد شرعی و مخلد ملی اسلامی نمودند همگی و تمامی مساحت و

موازی چهار دانگ از قریه مذکوره به میر محمد کندی را که واقع است در رودخانه کرانی، من توابع گروس با مزارع و متعلقات و منضمات آن در مزرعه یعقوب و قورت دره مال ذی نفع بالجمله کلما متعلق بها و ینسب اضااف الیها بحیث لا یخرج منها شیء به نوعی که چیزی از آن‌ها بقدر الحصة خارج و مستثنی نباشد و وصی خود گردانید فرزند ارجمند خودشان جناب فخامت نصاب، عمده الامرا العظام، آقای غلامحسین خان افتخار نظام - دام اقباله العالی - با نظارت شمس فلک جلالت و احتجاج نواب علیه عالیہ رقیه سلطان خانم بدیع السلطنه - دامت شوکتها - را که بعد از رسیدن سانحه وفات مداخل ملک را بعد از اداء مالیات و عوارضات دیوانی و وضع مصارف و مخارج تعمیر ملکی جمع‌آوری محصول آن را از نقد و جنس نموده، عشر آن را متولی از بابت حق التولیه دریافت نماید و حق مخصوص خودش باشد و مابقی را در مصارف خیرات و مبرات از قرار تفصیل صرف نماید. هر شب جمعه دو هزار دینار به خرما داده و در مسجد جامع قصبه بیجار به فقرا و مستحقین قسمت نمایند و ثلث باقی‌مانده را هم در ایام محرم و صفر و لیالی متبرکه قدر در عزاداری حضرت مولی الخاقین ابی‌عبدالله الحسین - سلام الله علیه - به قسمی که وصی و ناظر صلاح بدانند، صرف نمایند. دو ثلث دیگر را به سادات و فقرا و زوار قبور ائمه امام که محتاج و مستحق باشند بدهند و هم وصی و ناظر وصی‌الیها مأذون و مختارند که باقی را در صدقات جاریه از حمام و مسجد و پل صرف نمایند .... فی پنجم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۷ - الامر کما سطر فی هذا لهماش ثانیاً فی التاریخ حرره الاحقر (عبدہ الرجی موسی) قرار بر این شد بعد از عوارضات دیوانی و تعمیر ملک و حق التولیه، اولاً از مداخل محصول ملکی الی معادل دویست خروار گندم از بابت زکات ذمه موصیه معظمه و سهم امام علیه السلام به فقرا و مساکین کارسازی نمایند.

بعد از ادای زکات و سهم امام از قراری که ذکر شده است، رفتار نمایند و هرگاه سانحه وفات موصیه معظمه در رسد، حمل جنازه او را به مشهد مقدس یا کربلای معلی، باید وصی و یا ناظره بنماید. فی شهر رجب ۱۳۱۷ (زبیده خاتون العبد ابراهیم) توضیح و آن‌که در

ضمن‌العقد، شرط شرعی گردید که تولیت این ملک مذکوره با شرایط متن و هامش با جناب جلد امیرالامراء العظام آقای غلامحسین خان افتخار نظام باشد نسلماً بعد از نسل و بطناً بعد بطن و خدای نکرده در صورت انقراض نسل از جناب موصی‌الیه تولیت اعیان موقوفه مشروحه با اعلم علماء قصبه گروس باشد. ابوالقاسم اردلان امضا رونوشت برابر با رونوشت است که در ید ابرازدهنده ملاحظه شد.

### روستای نورمحمدکندی

این روستا از توابع دهستان کرانی و بخش کرانی بیجار محسوب می‌شود. جمعیت آن ۲۰۵ نفر بود. (استاندارداری کردستان، ۱۳۹۰، ص ۷۶) مردم مذهب شیعه دارند و زبان آنها ترکی است.

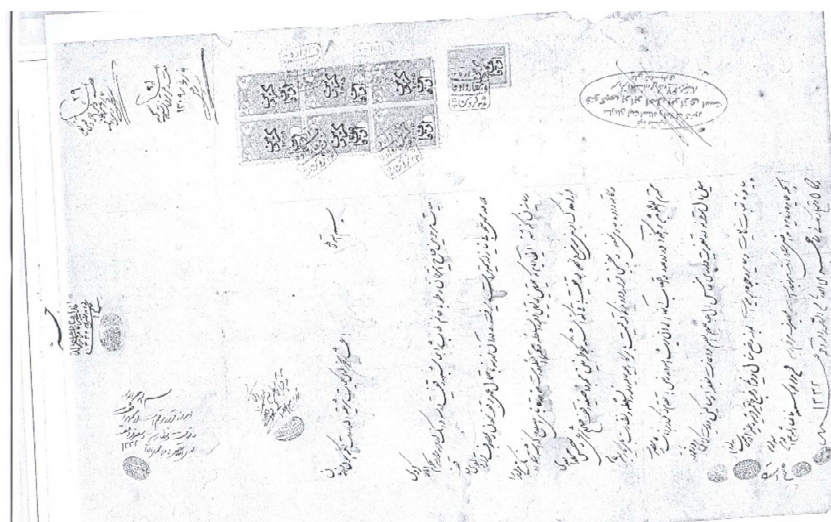
روستای قورت دره: این روستا از توابع بخش کرانی و دهستان طغامین به شمار می‌رود. جمعیت آن طبق آخرین سرشماری صورت گرفته ۱۲۷ نفر بوده است. (استاندارداری کردستان، ۱۳۹۰، ص ۹۰) مردم آن به زبان ترکی صحبت می‌کنند و مذهب شیعه دارند.

### سند وقفی شماره ۵

واقف: حاج امیر و طوبی خانم  
نوع وقف: عام  
نوع سند: عادی  
رقبات موقوفه: سه دانگ قریه کریم‌آباد با مزارع آن  
گواهان و شاهدین سند: جمعی از خوانین و بزرگان منطقه  
محل وقوع: بیجار  
مصارف: تعزیه پنج تن آل‌عبا علیهم‌السلام، فقرا و مساکین بلوکات گروس و زائرین عتبات عالیات  
پس از پرداخت حساب و کتاب مالیات و خراج آن  
شرایط تولیت: تولیت موقوفه با سرکار علیه انورالسلطنه و نظارت بر آن با سرکار علیه لاله‌خانم و بعد از آنها با تقدم ذکور اناث

تاریخ تنظیم: جمادی الاول ۱۳۳۲

محل نگه‌داری سند: بایگانی اداره کل اوقاف و امور خیریه



### روستای کریم آباد

این روستا امروزه با نام کریم کندی از توابع بخش کرانی و دهستان کرانی بیجار محسوب می‌شود. جمعیت آن طبق آخرین سرشماری صورت گرفته پنجاه نفر بوده است. (استانداری کردستان، ۱۳۹۰، ص ۷۶) مردم آن به زبان ترکی صحبت می‌کنند و مذهب شیعه دارند.

### شرح حال زنان واقف اسناد و موقعیت اجتماعی آنان

اسناد مورد بررسی، خوش‌بختانه اطلاعات جزئی زیادی از نام و نسب واقفان نشان می‌دهند. بی‌تردید بیش‌تر آن‌ها از طبقات متوسط و بالای جامعه بیجار دوره قاجاریه هستند. سه تن از واقفه‌ها، از خاندان معروف امیرنظام گروسی به شمار می‌روند. ساره خاتون (واقف سند شماره ۱) خواهر زین‌العابدین خان گروسی از حکمای کردستان است. (گروسی، ۱۳۶۶، ص ۱۷) تأکید متن وقف‌نامه بر اصل و نسب او که از خوانین بزرگ گروس به شمار می‌رود،

از اهمیت و جایگاه اجتماعی خانواده‌اش در این زمان حکایت دارد. حاجیه شهربانو نیز (واقف سند شماره ۲) که به حج رفته، از نوادگان نجفقلی‌خان گروسی است. (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۴۴) نجفقلی‌خان در زمان عباس‌میرزا، یکی از سرکرده‌های قشون ایران در جنگ با روس به شمار می‌رفت. او حدود سی سال حاکم گروس بود و در این زمان قصبه بیجار به عنوان دارالحکومه گروس محسوب می‌شد. (مرویانی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۷) از عنوان حاجیه برمی‌آید که شهربانو از طبقات بالای جامعه و از پشتوانه اقتصادی قوی برخوردار بوده است.

هم‌چنین زبیده‌خاتون (واقف سند شماره ۴) همانند عمه خویش (ساره خاتون) از خاندان امیرنظام گروسی است. او دختر زین‌العابدین‌خان است. زین‌العابدین فرزند نجفقلی‌خان و عموی امیرنظام گروسی بود. زین‌العابدین‌خان در سال ۱۳۱۲ قمری به حکومت کردستان منصوب شد و در بیجار دارای موقوفات زیادی بود. (کوشا، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹)

از شرح و حال واقعه صاحب سلطان‌خانم، اطلاعات زیادی در منابع محلی یافت نگردید. با توجه به خان بودن پدر او، به نظر می‌رسد از طبقات متوسط جامعه بوده و پایگاه اجتماعی قوی داشته است. به هر حال همه این واقفان علیاه جاه معادل مونث القاب اشرافی مذکر عالیجاه هستند و القاب عفت و پاکی (خداارت، طهارت‌دستگاه و عصمت‌پناه) را دارند.

انگیزه‌های آنان قطعاً برگرفته از آموزه‌های فقهی مذهب تشیع در جهت ایجاد تعادل ثروت اجتماعی، میل به جاودانه شدن، کسب ثواب اخروی و حفظ اموال و دارایی از دستبرد غصب و نابودی بوده است.

### بررسی تحلیلی اسناد

با توجه به محتوای وقف‌نامه‌های مورد تحقیق، می‌توان از لحاظ ادبی، اجتماعی و اقتصادی، ویژگی‌های آن‌ها را به این صورت تبیین کرد:

۱. نشر به‌کاررفته در این وقف‌نامه‌ها، همانند دیگر وقف‌نامه‌های دوره قاجاریه، عموماً نثری منشیانه و آکنده از سجع و دیگر صنایع ادبی است که همین امر، موجب ایجاد موسیقی در کلام شده است. معمولاً در مقدمه وقف‌نامه‌ها، علاوه بر درهم آمیختن جملات و عبارات عربی و فارسی به صورت سجع و موزون، آیات قرآن کریم نیز جایگاهی ویژه دارد.
۲. نوع نگارش هر وقف‌نامه و تعبيرات متفاوت و اصطلاحات به‌کاررفته در آن‌ها نه تنها از نوع تفکر مذهبی، اجتماعی و فرهنگی این دوره حکایت دارد، بلکه در حوزهٔ سندشناسی نیز درخور توجه است و پژوهش‌گران حوزه تاریخ اجتماعی و زبان‌شناسی از آن استفاده می‌کنند. این اسناد هم‌چون دیگر وقف‌نامه‌ها، یکی از بهترین منابع ادبی و فرهنگی محلی شهرستان بیجار محسوب می‌شوند؛ زیرا حاوی نکات، واژگان و ادبیاتی هستند که سهم زیادی در تعیین جایگاه زنان واقف، غنی‌سازی فرهنگ محلی و زبان فارسی دارند.
۳. اوزان و مقادیر به‌کاررفته در اسناد مانند دانگ، ثلث و عشر، فهم و درک درست متن وقف‌نامه را آسان می‌سازد. باید توجه داشت که واحدهای شرعی در اوزان و مقادیر، در مقایسه با واحدهای عرفی ثبات چشم‌گیری دارند.
۴. وجود روابط مختلف معنایی در میان واژگان هم‌چون: تقابل، هم‌معنایی یا مترادف، باهم‌آیی‌های واژگانی، ترکیبات عطفی و شمول معنایی، نشانه‌هایی از غنی بودن این وقف‌نامه‌ها از نظر معنایی است.
۵. این اسناد شخصیت حقوقی زنان و استقلال مالی آن‌ها را نشان می‌دهند.
۶. در اسناد یادشده، نکات گرایشی زنانه و تعصبات فمینیستی مشاهده نمی‌شود. منظور این است که در نیت وقفی صاحبان اسناد مورد بحث، بر تولیت رقبات وقف جز در مورد سند شماره (... طوبی خانم) از طرف زنان و تداوم آن تأکید نشده است.
۷. شناخت ظرف‌های زمان و مکان به عنوان یکی از اجزای زبانی از اهمیت زیادی در این اسناد برخوردار است.
۸. در وقف‌نامه‌های یادشده، استفاده فراوان از لغات و واژگان زبان عربی به چشم می‌خورد.

۹. عناصر مادی به‌کاررفته در وقف‌نامه‌ها از محیط طبیعی، شیوه‌های تولید و سبک زندگی مردم منطقه تبعیت می‌کند. در عین حال می‌توان تأکید کرد که درج عناصر غیرمادی در وقف‌نامه‌ها نیز نشان‌دهنده نوع باورها و به‌طور کلی نگرش‌های جامعه محلی است که در این دوره موقوفه‌ها در آن شکل گرفته‌اند.

۱۰. شناخت عناصر به‌کاررفته در وقف‌نامه‌ها مانند شاخص‌های شخصی و اجتماعی که در ادب سنتی از آن با عنوان «القاب و توضیحات» یاد می‌کنند، از دیگر موضوعات مهم در معنانشناسی اسناد مورد بررسی است. این عناوین از ویژگی‌ها و محاسن نوشته‌های شرعی و حقوقی دوره قاجاریه محسوب می‌شد.

۱۱. در مقایسه با وقف‌نامه‌های زنان اهل تسنن استان کردستان که مصارف آن‌ها بیشتر به مسجد و مکتب‌خانه اختصاص یافته، دامنه کاربردی موقوفات زنان شیعی این منطقه فراتر از رقبات وقفی اهل تسنن و از لحاظ آماری نیز بیشتر است و این در واقع شخصیت و جایگاه اجتماعی و مشارکت فعال آن‌ها را در عرصه زمانه خویش می‌رساند. نوع رقبات وقفی زنان و جغرافیای تاریخی رقبات، مثل روستاها نیز توان اقتصادی و مالی آن‌ها را اثبات می‌کند.

### کارکردهای رقبات وقفی یادشده

در هیچ یک از اسناد مورد بررسی در حوزه بیجار، نقشی از زنان اهل تسنن دیده نمی‌شود و بنابراین موقوفات زنان شیعی در نوع مشارکت اجتماعی، مذهبی و اقتصادی، بی‌نظیر و منحصر به فرد است. آن‌طور که از محتوای اسناد روشن است، کاربرد عمده موقوفات بنابر نیت خیرخواهانه با تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی بر کمک به فقرا، سادات، مرمت مساجد، حمام و پل، برنامه‌های تعزیه‌داری و کمک به علما و محصلان علوم اسلامی بود. از طرف دیگر، وقف‌نامه‌ها اهداف اقتصادی و یا خصوصی واقفان را در تضمین بقای جاودانگی آن‌ها برآورده می‌سازد. حضور گواهان وقف که از بزرگان، علما، خوانین،

تجار و اعضای حکومتی منطقه بودند، خود دلیل مهمی بر ارزش اقتصادی رقبات و اهمیت کارکرد اقتصادی، آموزشی و مذهبی آنهاست. در همه این اسناد، تعزیه‌خوانی و روضه‌خوانی برای ائمه شیعه در تأکید و اولویت مصارف رقبات قرار دارد. این‌که سهم واقفه در رقبات وقفی سه دانگ، یک دانگ و نیم و غیره ذکر شده، احتمالاً مالکیت آنها کامل نبوده و قطعاً همسرانشان دارای سهم بوده‌اند. با این حال، همه آنچه در مالکیت زنان بوده طبق اسناد وقف شده است. پرداخت مالیات و عوارض دیوانی و محاسبه حق تولیت در مصارف موقوفات قابل توجه است، که باقی‌مانده دارایی باید پس از آن مورد استفاده قرار گیرد. حق التولیه طبق عرف رایج منطقه و محتوای وقف‌نامه‌ها، یک‌دهم کل عایدات بود. نظارت و تصمیم‌گیری درباره جزییات و نحوه مصرف تا زمان حیات واقفه، با خودش بوده و پس از او متولی، اختیار کامل را داشته است. در صورت وقوع پیشامد برای متولی و نداشتن اولاد ذکور و اناث وارث، تولیت به علمای فاضل منطقه سپرده شده است. (وقف‌نامه زبیده خاتون) در موقوفات زنان مصارف متفاوت از وقف مردان نیست و شرط و معیاری بر نحوه مصرف و یا اداره این موقوفات وجود ندارد و تنها در جزییات تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. برآورد مشخصی از میزان درآمد روستاهای وقف‌شده و همین‌طور دیگر دارایی‌ها چه نقدی و چه غیرنقدی، معلوم نیست تا بتوان ارزش اقتصادی رقبات وقفی را تعیین کرد. با این حال، شرح املاک و دارایی رقبات وقفی در اسناد، نشان می‌دهد که از ارزش مالی بالایی برخوردار بودند. از میان وقف‌نامه‌های مذکور، بزرگ‌ترین آنها موقوفه صاحب سلطان است که قسمتی از دو روستا، حمام و عمارت و غیره را دربرمی‌گیرد. در بحث تولیت نیز دقیقاً مشخص نیست که آیا مصارف رقبات رعایت می‌شده است یا به دلایل سیاسی و نظامی، دچار تصرف و تغییرات می‌شدند. البته تا به امروز وقف این رقبات ماندگار شده و لذا می‌توان تأثیر و نقش فقه شیعی را در جاودانگی وقفیات یادشده در این خصوص دریافت. آموزه‌های شیعی در امور وقف چنان در روح و جان جامعه محلی این دوره دمیده بود که هرگونه دست‌درازی و یا غصب رقبات را مایه ننگ و حرام می‌دانستند.

هم‌چنین از انگیزه‌های واقفان که نابودی فقر و محرومیت از جامعه محلی خویش بوده است، نباید به آسانی گذشت. بررسی متون وقف‌نامه‌ها نیز به خوبی روشن می‌سازد که واقفان با چنین انگیزه‌هایی، در پی «عدالت اجتماعی» به معنای واقعی در جامعه بوده‌اند. به لحاظ کارکرد اجتماعی نیز مسلماً رقبات وقفی، وجهه و محبوبیت واقفان را در جامعه افزایش می‌داد.

### نتیجه

غنای موقوفات زنان شیعی بیجار در دوره قاجاریه نسبت به زنان اهل تسنن هم‌دوره خود بیش‌تر است. همچنان که مصارف رقبات نیز دامنه وسیعی دارد و در عرصه اجتماعی و اقتصادی دارای شدت بیش‌تری است. ذکر چگونگی مصارف که در همه اسناد مورد بررسی، عتبات عالیات و کربلا یادآوری و مورد تأکید قرار گرفته، به نوعی مؤلفه‌های فرهنگی و مذهبی شیعه را جاری ساخته و بر تداوم این مؤلفه‌ها تأکید شده است. این که زنان این منطقه به فراخور تعهد مذهبی و دینی خود در مقایسه با دیگر زنان مهم و ثروتمند خویش به امر وقف اقدام کرده‌اند، شایان توجه است. این امر، از نهادینگی وقف در میان زنان در این دوره ناشی می‌شود. اسناد اشاره شده، آشکارا مشارکت زنان طبقات بالای جامعه محلی بیجار را در فعالیت‌های اقتصادی می‌رساند. موقوفات این بانوان، موارد گوناگونی را از قبیل اراضی مزروعی، دکاکین، تکایا، مساجد، و سایر امور عام‌المنفعه شامل می‌شد که هر یک دارای مصارف مشخص بود و عواید آن‌ها صرف نیات واقفان می‌گردید. رقبات وقفی که در این منطقه از طرف زنان صورت گرفته است، عرصه مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان را در فرایند تاریخی بیجار در زمان قاجاریه نشان می‌دهد که نسبت به دوره‌های گذشته، از لحاظ آماری بیش‌تر و از لحاظ محتوا پربارتر و غنی‌تر است.

## فهرست منابع

۱. احمدی، نزهت، «وقف نامه‌های بانوان در دوره صفوی»، مجله میراث جاویدان، سال پنجم، شماره ۳ و ۴، سال ۱۳۷۶.
۲. امیرنظام گروسی، حسنعلی خان، پندنامه یحیویه، مقدمه منوچهر سعید وزیران، تهران، نقره، ۱۳۶۶.
۳. آرشیو اداره اوقاف و امور خیریه استان کردستان.
۴. آرشیو اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان بیجار.
۵. بابانی، میرزا عبدالقادر، سیرالاکراد، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران، توکلی، ۱۳۷۷.
۶. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۶، تهران، زورا، ۱۳۷۱.
۷. بدلیسی، شرفخان، شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان)، تصحیح محمد عباسی، تهران، نشر حدیث، ۱۳۷۳.
۸. حافظ ابرو، زبدة التواریخ، تصحیح سیدکمال جوادی، ج ۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.
۹. خسروی، محمدعلی، «موقوفات زنان در ایران»، مجله میراث جاویدان، سال سوم، شماره ۲، ۴-۸، سال ۱۳۷۴.
۱۰. دفتر نوشتجات کرمانشاه، کردستان و لرستان [سند] وزارت امور اقتصادی و دارایی. اداره کل بیوتات، مرکز اسناد کتابخانه ملی، ۱۳۸۴-۱۳۰۳ ق.
۱۱. روستوف، کرنر، «زنان واقف در تهران عهد قاجار»، ترجمه نسیم قهرودی، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۲۸، ص ۱۱۵-۱۲۲، سال ۱۳۷۸.
۱۲. سنندجی، میرزا شکرالله، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، به اهتمام حشمت‌الله طبیبی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۱۳. سوران کردستانی، «معماری ساده مسجدهای عبداللهی»، نشریه همشهری، ص ۱۹، ۱۱، ۷۹، شماره بازبایی ۱۰۸۰۳۰۳۰.
۱۴. شیخ الحکمایی، عمادالدین، فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تهران، کتابخانه مجلس شماره ۴، ۳۱۰ صفحه، ۱۳۸۷.
۱۵. شیرازی خاوری، میرزا فضل‌الله شریفی ذهبی، تاریخ ذوالقرنین، محقق / مصحح: ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۶. صدیق صفی‌زاده، تاریخ کرد و کردستان، تهران، نشر آتیه، ۱۳۷۸.

۱۷. عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، محقق / مصحح: مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. فرهنگ آبادی‌های استان کردستان، استانداری کردستان، سنندج، ۱۳۹۰.
۱۹. کوشا، محمدعلی، *سیمای بیجار گروس و مشاهیر آن*، دانشگاه کردستان، مرکز پژوهش‌های کردستان‌شناسی، سنندج، ۱۳۸۷.
۲۰. مریوانی محمد، *بیجار در گذر زمان*، نیک پندار، تهران، ۱۳۸۲.
۲۱. مستوفی، حمدالله، *نزهة القلوب*، به اهتمام محمد دبیر ساقی، تهران، طهوری، ۱۳۷۸.
۲۲. میرزا سمیع، *تذکرة الملوك و سازمان اداری حکومت صفوی با تعلیقات مینورسکی بر تذکرة الملوك*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به کوشش محمد دبیر ساقی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۲۳. میرزا علی‌اکبر (وقایع‌نگار کردستانی)، *حدیقه ناصری*، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران، مؤلف، ۱۳۶۴.
۲۴. وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، محقق / مصحح: سیدسعید میرمحمدصادق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. ورنر، کریستوف، «زنان واقف در تهران عهد قاجار»، *مجله میراث جاویدان*، شماره ۲۸، سال ۱۳۷۸.